

پیشگفتار

کتاب پیش رو به تحلیل و بررسی زوایای مختلف فدراسیون روسیه می‌پردازد. روسیه کشوری است که «فیودر تیوتچف»، شاعر و سیاستمدار قرن نوزدهم، درباره آن گفت: «روسیه را با منطق و استدلال نمی‌شود فهمید و با معیارهای عمومی نمی‌توان سنجید، بلکه باید آن را حس کرد و دریافت!». این گفته شاعر به سرعت در میان مردم روسیه رایج شد و هنوز بسیاری از اندیشمندان روسیه و روسیه‌شناسان جهان وقتی در توضیح و تحلیل رفتارها و تحولات در روسیه با دشواری روبه‌رو می‌شوند به این گفته پناه می‌برند! اگرچه تیوتچف با نگاه به حوادث قرون پیش از خویش و با توجه به شیوه شکل‌گیری دولت روسی در اواخر هزاره اول و گسترش آن در اوایل هزاره دوم و قرون پس از آن، و بر اساس فراز و فرودهای بسیار آن در مواجهه با شرق و غرب به این استنباط رسیده بود، اما با مرگ شاعر در اواخر قرن نوزدهم میلادی و تحولات بعدی در اوایل قرن بیستم و با شکل‌گیری انقلاب کمونیستی در جامعه‌ای که هنوز مرحله صنعتی شدن را طی نکرده بود و بر اساس نظریه مارکس، وقوع انقلاب سوسیالیستی و کمونیستی در آن امکان‌پذیر نبود، گفته او به نقل رایج میان مردم بدل گردید.

جامعه روسیه در طول تاریخ خود، پیش‌و‌پس از پتر کبیر و به ویژه از اوان سده نوزدهم دستخوش تحولات گسترده‌ای شد که تاکنون ادامه دارد و یکی از این فرازهای مهم در دوران معاصر، موضوع فروپاشی است. فهم فروپاشی شوروی و علل و دلایل آن نیز برای پژوهشگران چندان آسان نبود و هنوز هم یکی از موضوعات اصلی مورد بررسی جامعه‌شناسان و نویسندگان عرصه روابط بین‌الملل است به ویژه اینکه هنوز سه دهه از این فروپاشی سپری نشده که آخرین نظرسنجی مرکز لوادا در مسکو نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد از مردم روسیه فروپاشی

شوروی را اشتباه می‌دانند و بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان خواستار احیای آن هستند! بدون تردید تحولات تاریخی و پیچیده در رشد و گسترش روسیه و مواجه شدن آن با ملل و اقوام مختلف، خاستگاه بیزانسی آن و شکل‌گیری اولیه در حوزه جغرافیایی اروپا و سپس گسترش سرزمینی آن به سمت شرق و آسیا، وسعت جغرافیایی آن به عنوان گسترده‌ترین کشور جهان با بیش از ۱۷ میلیون کیلومتر مربع مساحت، امتداد آن از اروپا تا مرزهای ژاپن در شرق دور که ۱۱ ساعت اختلاف زمان را در بخش‌های این کشور پدید آورده است، سیطره سه قرن «اردوی زرین» بر این کشور و امتزاج اقوام و ادیان در آن از جمله عواملی است که هر پژوهشگر یا خواننده مسائل روسیه را به فهم عمیق فرامی‌خواند.

شکل‌گیری نظام سوسیالیستی، جنگ جهانی دوم و پیروزی شوروی در آن، در کنار سایر متفکین و تقدیم ۲۷ میلیون جان‌باخته در این جنگ از مجموع ۵۰ میلیون انسانی که در مقابله با مهاجمان کشته شدند و به دنبال آن تبدیل شوروی به یکی از دو پایه اصلی نظم جهانی دوقطبی طی ۷۰ سال و تحولات پس از آن در فدراسیون روسیه نیز نه تنها از نگاه محققان بلکه از دید مردم عادی جهان نیز دور نمانده است.

در طول یک ربع قرن که از شکل‌گیری روسیه جدید می‌گذرد تحولات این کشور بسیار شتابان بوده است، به طوری که کشوری که در نیمه اول ۱۹۹۰ میلادی سیاست خارجی‌اش رویکرد «خانه مشترک اروپایی» را دنبال می‌کرد و دکترین امنیتی‌اش عضویت برابر در ناتو را قابل بررسی می‌دانست اکنون پس از گذشت تنها دو دهه، تحت تحریم‌های اقتصادی غرب قرار گرفته است و نزدیک به چهار سال است که روابطش با ایالات متحده آمریکا از دستور کار مشخصی برخوردار نیست.

اگرچه تحولات فراوان سال‌های اخیر تا اندازه‌ای نیز تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و جهانی بوده، اما بخش عمده آن ناشی از ویژگی‌ها و مختصات جامعه و سیاست در روسیه است و شتاب رویدادها چنان بوده است که اسناد و دکترین‌های سیاسی و امنیتی فدراسیون روسیه چندین بار مورد بازنگری قرار گرفته‌اند، و پژوهشگران ناگزیر شده‌اند که پیوسته داده‌های جدید را جستجو کنند و نوشته‌های خویش را به‌روز نمایند.

قرار گرفتن میان خاور و باختر برای روسیه نه تنها یک واقعیت جغرافیایی و حتی سیاسی، بلکه عنصری است که همچون اندیشه خیر و شر که سراسر آموزه‌های کلیسایی ارتدوکس را در بر گرفته است، به یک عنصر اساسی در اندیشه، هویت، فلسفه و جهان‌بینی روسی تبدیل گردیده است. اگرچه بحث شرق و غرب و انتخاب یکی از آن دو، در میانه قرن نوزدهم میلادی، یعنی در عصر طلایی ظهور شعرا، نویسندگان، و مکاتب ادبی و فلسفی روس در گرفت، اما هنوز همه زمینه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی روسیه و حتی ذهنیت‌ها و باورهای مردمان روسیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اگر این دیدگاه برخی از جامعه‌شناسان را بپذیریم که مرزهای هویتی نه تنها عامل مهمی در شناخت جوامع دیگرند، بلکه در فهم خویشتن و جامعه خودی نیز نقشی اساسی دارند، آنگاه باید در فهم جامعه روسیه به عنوان جامعه دیگر نه تنها به بررسی حوادث و تحولات سیاسی، بلکه به شناخت عمیق مؤلفه‌های هویت‌ساز و مرزهای فکری و جهان‌بینی آن پردازیم. در اشاره به نگاه روسی به تحولات جهان شاید اشاره به این نکته برای خوانندگان جالب توجه باشد که گرچه بسیاری از مردمان دیگر کشورها از روسیه امپراتوری و نظام شوروی چهره‌ای خشن و گاهی توسعه‌طلب را در ذهن دارند، اما مردم روس خود را یکی از مظلوم‌ترین ملت‌ها و قربانیان تاریخ می‌دانند که زمانی مورد تهاجم و تاخت و تاز مغول، دوره‌ای مورد هجوم سوئدی‌ها و سپس هدف حمله ناپلئون قرار گرفته‌اند و حداقل دو بار در تاریخ پایتخت آنان مسکو توسط مهاجمین به آتش کشیده شده است.

حمله نازی‌ها به شوروی و اشغال بخش قابل توجهی از خاک آن توسط نیروهای مهاجم که نبردی سنگین را در اطراف مسکو و شهرهای لنینگراد و استالینگراد رقم زد، نمونه دیگری از تهاجم بیگانگان در ذهن مردم روسیه است که سرانجام به دفع این تجاوز انجامید. در کنار آن، ذهنیت مردمان روس مشحون از خاطرات مقاومت‌ها و فداکاری‌های مردم و قهرمانانی است که از سرزمین خود دفاع کرده‌اند و اکنون خیابان‌ها و اماکن بزرگ شهرهای روسیه به نام آنان نام‌گذاری شده است و در همه شهرها و مناطق روسیه و سایر جمهوری‌ها مقبره شهید گمنام و

مشعلی که همیشه در طی دهه‌های متمادی روشن بوده است نام و یاد قهرمانان و سربازان «جنگ بزرگ میهنی» (جنگ جهانی دوم) را برای ناظرین تداعی می‌کند. این جهان‌بینی روسی از آن جهت مورد اشاره قرار گرفت که به فهم تحولات تاریخ معاصر روسیه و دیدن تحولات منطقه‌ای و جهانی از منظر روس‌ها کمک کند و روان‌شناسی سیاسی حوادث و سازوکار تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در این کشور پهناور بهتر درک شود. روسیه‌شناسی در ایران در دو دوره دچار انقطاع گردید: یکی در جامعه علمی ایران، پس از شکل‌گیری نظام شوروی و دیوارهای آهنینی که مردم روسیه را از بسیاری کشورها، از جمله از مردم ایران، جدا کرد، و در نتیجه ارتباطات مستقیم مردمی و تبادلات علمی و فرهنگی نیز دچار گسستگی و ضعف گردید تا آنجا که در تمام سال‌های گذشته نه تنها فلسفه و سیاست در روسیه بلکه ادبیات کلاسیک روس نیز که هنوز در کشور ما مورد توجه است عموماً از طریق نسخه‌های غربی و بیشتر انگلیسی و فرانسوی معرفی، ترجمه و یا انتشار یافته‌اند. معدود پژوهش‌ها و ترجمه‌هایی از منابع روسی نیز که در آن دوره منتشر شدند تحت تأثیر گرایش‌های سیاسی و افکار چپ در ایران بودند. انقطاع دوم نیز با فروپاشی شوروی و ظهور عصر جدید در فضای پسا شوروی با موضوعات جدید فراوان حادث شد: کشورهای جدیدی در نقشه جهان با مشخصات جدید ظاهر شدند و شمار اندک شوروی‌شناسان در دستگاه‌های اجرایی ایران برای این منظور کفایت نمی‌کرد و نیاز به پژوهشگران و کارشناسان مسلط به زبان و فرهنگ روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز بیش از پیش احساس شد.

این کاستی‌ها البته با تربیت نسل جدیدی از اساتید، پژوهشگران، مترجمان و متخصصان در دوره پس از فروپاشی و به ویژه در دهه‌ساله اخیر با تأسیس مراکز جدید آموزش زبان روسی، مطالعات منطقه‌ای و روسیه‌شناسی و همچنین پژوهشگاه‌های متعدد در حال جبران شدن است و امید است که کشور عزیز ما ایران در کنار متخصصان رشته‌ها و کشورهای مختلف از پژوهشگران خبره بسیاری در زمینه روسیه‌شناسی برخوردار شود که بتوانند با بهره‌گیری از متون روسی و به شکل مستقیم به بررسی و پژوهش پردازند.

آنچه پیش روی خوانندگان است حاصل یک فعالیت پژوهشی آهسته اما پیوسته و چندساله است. در این کار تلاش شده است چارچوب بررسی‌های معمول «سیاست و حکومت» گسترش یابد و حوزه‌های دینی، فرهنگی، هویتی و فکری را نیز شامل شود. از جمله مزیت‌های این پژوهش بهره‌گیری گسترده از منابع روسی در کنار سایر منابع و مشاهده و بررسی تحولات از نزدیک و به صورت میدانی است. علت طولانی شدن تکمیل این تحقیق تنها اشتغالات اجرایی من نبوده است بلکه وقوع مکرر تحولات جدید و بنیادین طی چند سال اخیر در سیاست داخلی و خارجی روسیه و نیاز به تغییر و افزودن مطالب، مزید بر این علت بوده است

از ویژگی‌های دیگر کتاب حاضر این است که به جای تمرکز بر چارچوب‌های عمومی و سوابق تاریخی منتشر شده در آثار دیگر، بیشتر به تشریح وضعیت کنونی و تبیین مختصات روسیه معاصر و آخرین وضعیت و تحولات عصر ولادیمیر پوتین پرداخته است. فصل اول به اختصار به تاریخ روسیه و بنیان‌های هویت روسی اختصاص یافته است. فصل دوم نیز به موضوعات اجتماعی، اقوام، تحولات دینی، اسلام و مسلمانان و نقش رسانه‌ها در تحولات اجتماعی و سیاسی روسیه اختصاص یافته است. به این ترتیب تلاش شده است در این کتاب زیرساخت‌های اجتماعی و فکری نیز مورد توجه قرار گیرند. البته نگارنده معتقد است جای یک پژوهش گسترده در زمینه جریان‌های فکری و فلسفی روسیه معاصر در ایران هنوز خالی است. فصل سوم کتاب به طور کامل به فرهنگ سیاسی و احزاب، انتخابات و گروه‌های ذی‌نفوذ اختصاص یافته که بیانگر اهمیت این دست‌مباحث در روسیه معاصر است. موضوعات نظام سیاسی، اقتصاد، سیاست خارجی و امنیتی نیز هر یک فصل جداگانه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. در همه فصول تلاش شده است آخرین تحولات در این عرصه‌ها با همه گستردگی و پیچیدگی مورد توجه و اشاره قرار گیرند.

این پژوهش گام کوچکی است برای شناخت پیشینه تاریخی زیرساخت‌های فکری و اجتماعی و همچنین تحولات و ساختارهای سیاسی کشوری که همه پژوهشگران به پیچیدگی و دشواری فهم آن اذعان می‌کنند. برخی از روسیه‌شناسان در

توضیح این پیچیدگی و مرکب بودن وقایع این سرزمین، به سوغات اصلی روسیه «ماتروشکا» اشاره می‌کنند که عروسکی رنگین است با عروسک‌های تودرتو، به طوری که هر ماتروشکا را که باز می‌کنی و جلوتر می‌روی به ماتروشکای دیگری می‌رسی. امیدوارم این کتاب مورد توجه جامعه علمی، دانشجویان، دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به مطالعات روسیه قرار گیرد، و در کاستی‌های کتاب هم که بدون تردید کم نیستند به دیده اغماض بنگرند و در عین حال حقیر را از نظرات خویش آگاه نمایند. جمع‌بندی این نظرات می‌تواند در چاپ‌های بعدی کتاب مورد توجه قرار گیرد. جا دارد در پایان این مقال از همه اساتید و نویسندگانی که از آثار، کتب و نظرات آنان بهره برده‌ام و همچنین از خانم فاطمه عطری سنگری، دانشجوی دکتری علوم سیاسی، که در گردآوری داده‌ها و آماده‌سازی این کتاب کمک شایان و فراوانی به من کرده است تقدیر و سپاسگزاری نمایم.

مهدی سنایی

دانشیار دانشگاه تهران

مسکو، اردیبهشت ۱۳۹۵